

## بررسی شگردهای واژه‌سازی در نام‌ها و نشانی‌های کتاب فرهنگ جبهه از منظر فرمالیسم

محمد کاظم نظری قره‌چماق<sup>\*۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۸

**چکیده:** فرمالیست‌ها آثار ادبی را بدون آگاهی از شخصیت و عقاید مؤلف بررسی می‌نمایند. براساس آرای این گروه، فرم و شکل مبنایی برای تحلیل زیبایی‌شناسی، شناخت برجستگی‌های زبانی و کشف معنای نهفته در آثار ادبی است. امروزه، فرمالیسم یکی از رویکردهای رایج در نقد آثار ادبی است؛ به‌همین دلیل، در مقاله حاضر برای شناسایی شگردهای واژه‌سازی نام‌ها و نشانی‌های کتاب فرهنگ جبهه، از رویکرد فرمالیستی استفاده می‌شود. از دیدگاه فرمالیست‌ها، آشنایی زدایی باعث هنجارشکنی می‌شود و زبان را از حالت عادی خارج می‌نماید. هنجارشکنی به دو شیوه هنجارافزایی و هنجارگریزی باعث برجسته‌سازی کلام می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، در آفرینش خلاقانه و گزینش نام‌ها و نشانی‌های کتاب فرهنگ جبهه از هر دو قاعده استفاده شده است. کاربرد وزن و موسیقی واژه‌ها، صنایع بدیعی و بیانی از شگردهای مهم حوزه هنجارافزایی است. همچنین، ترکیب سازی و طنز از شگردهای مهم هنجارگریزی است که در آفرینش نام‌ها و نشانی‌های کتاب فرهنگ جبهه استفاده شده است.

**واژگان اصلی:** فرمالیست، آشنایی زدایی، برجسته‌سازی، نام‌ها و نشانی‌های فرهنگ جبهه.

\*۱. کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه پیام‌نور واحد تربت‌جام، نویسنده مسئول  
(mk.nazari@yahoo.com)

## مقدمه

زندگی انسان همانند داستانی با رویدادها و وقایع گوناگون آمیخته شده است. در کتاب فرهنگ جبهه، هر پدیده‌ای به‌دلیلی با نام‌ها و نشانی‌های متفاوتی معرفی می‌شوند که چکیده داستان در آن‌ها نهفته است. هر یک از نام‌ها و نشانی‌ها بر مبنای داستانی ذهنی آفریده شده‌اند و با توضیحی که در کتاب داده شده، قابلیت پردازش داستانی دارند. اسامی مندرج در کتاب فرهنگ جبهه واقعی و روزمره نیستند؛ به‌همین دلیل، خالقان آن‌ها با استفاده از شگردهای ادبی، این اسامی را به فرمی ادبی تغییر داده‌اند.

فرم، انواع گوناگونی دارد که نمونه‌هایی از آن داستان و شعر است. شفیعی کدکنی برای تبیین این مسئله، مثالی آورده است. «وقتی گفته می‌شود، «آه» این صامت و مصوت دارای فرم است. همین «آه» که روزی هزاربار در عبارات روزمره استفاده می‌شود، فرم زبان‌شناسی است و هیچ فرم هنری ندارد؛ اما، می‌تواند بالاترین سطح هنری را در بافت ادبی داشته باشد. به‌عنوان مثال، در این مصراع از حافظ: آه اگر دامن حسن تو بگیرد آهم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۷۴). نام‌ها، تنها یک واژه تشکیل شده از صامت و مصوت نیستند؛ بلکه، از زیرساخت‌های فلسفی و داستانی نهفته برخوردارند و شگردهای ادبی باعث پرورش و برجسته‌سازی آن‌ها می‌شوند. این برجسته‌سازی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا، باعث می‌شود تا افزون‌بر، نقش رسانه‌ای زبان، حوزه زیبایی‌شناسی ادبی مورد توجه قرار گیرد.

شیوه‌های نام‌گذاری، به دو گروه تقسیم می‌شود. نخست، نام‌گذاری‌های معمول همانند اسامی نوزادان که هدف، انتخاب یک نام برای آنان است. دوم، نامی که دارای مبنای فلسفی و داستانی است. به‌عنوان مثال، شیوه نام‌گذاری سهراب در شاهنامه متفاوت است. وی براساس چهره سرخی که داشته، نام‌گذاری شده است. نمونه دیگر، شیوه نام‌گذاری زال است که مبنای داستانی دارد.

نام‌ها و نشانی‌های دفاع مقدس بر مبنای فلسفی و یا داستانی نام‌گذاری‌های و برجسته‌سازی شده‌اند. این نام‌ها و نشان‌ها از منظر نگارنده یک فرم است و اگر قابلیت برجسته‌سازی داشته باشند، فرمی ادبی به‌شمار می‌آیند. در مطالعه حاضر با توجه به نظریه‌های فرمالیست‌ها، این فرم‌ها، فرم شعر یا داستانی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا، فرمالیست‌ها در بررسی‌ها و نظرات خود، تنها به فرم‌هایی همانند شعر و داستان توجه داشته‌اند و از فرم‌های دیگر صحبتی

نکرده‌اند. نام‌ها و نشانی‌های کتاب فرهنگ جنبه از مبنای فلسفی و شگردهای آشنایی‌زدایی برخوردارند. در این مقاله، سعی می‌شود تا شگردهای آشنایی‌زدایی در گزینش واژه‌ها شناسایی شود. معرفی این نام و نشانی‌ها به عنوان فرمی ادبی، ریشه در خلاقیت هنری و ادبی نویسندگان دارد که تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

### پیشینه پژوهش

چارچوب اولیه فرمالیسم با انتشار مقاله‌هایی از «شکلوفسکی<sup>۱</sup>» با عنوان «هنر به مثابه فن» و سپس، «موکاروفسکی<sup>۲</sup>» با عنوان «زبان معیار و زبان ادبی» شکل گرفت (سجودی، ۱۳۸۰). با گسترش نظریه‌های فرمالیسم، آثار متعددی در عرصه نقد فرمالیستی به چاپ رسید که «موسیقی شعر» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸)، «رستاخیز کلمات» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱)، «بررسی شگردهای برجسته سازی زبان در قصاید خاقانی» (پورالخاص و عباسی، ۱۳۹۴: ۱۲۶-۹۹)، «قاعده‌افزایی در غزلیات شمس» (مدرسی و یاسینی، ۱۳۸۸: ۱۴۳-۱۱۹) نمونه‌هایی از آن است که در ارتباط با سبک انجام شده‌اند.

در برخی دیگر از بررسی‌های فرمالیستی، آثار ادبی از منظر ایدئولوژی مورد نقد قرار گرفته است. مقاله «کارکرد لایه ایدئولوژیک در برجسته‌سازی سبکی غزل اجتماعی معاصر» (مهری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۲-۱۴۵)، از جمله این پژوهش‌ها است.

برخلاف آثار پژوهشی در عرصه نقد فرمالیستی، تاکنون نام‌ها و نشانی‌های کتاب فرهنگ جنبه از منظر فرمالیستی مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است؛ از این رو، شناسایی شگردهای واژه‌سازی در نام‌ها و نشانی‌های این کتاب از منظر فرمالیسم از نوآوری‌های این پژوهش به‌شمار می‌آید.

### تبیین نظریه

تا پیش از سال ۱۹۱۴ میلادی، نقدهای ادبی سنتی، رایج بود. مبنای این شیوه نقد، عوامل برون متنی همانند وضعیت اجتماعی، زندگی شخصی، احساسات و طرز تفکر مؤلف است که بر خلق اثر ادبی تأثیر دارد. نقد سنتی، بیشتر بر شیوه محتوایی تکیه دارد و در آن توجهی به متن ادبی

1. Shklovsky  
2. Mukařovský

نمی‌شود؛ از این رو، دریافت پیام اثر ادبی، در اولویت قرار دارد؛ اما، پس از ارائه ایده نقد نو توسط «یاکوبسن<sup>۱</sup>»، نگاه‌ها از عوامل خارجی مؤثر در تولید متن به درون آن دوخته شد و به تدریج نقد درون‌متنی جایگزین نقد برون‌متنی شد. نقد فرمالیستی، یکی از نقدهای درون‌متنی است که به معنای «اهمیت دادن به صورت و شیوه ساخت آن است و هنر چیزی جز همین کار نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۳۱-۳۰). فرمالیست‌ها معتقد بودند «هنر و ادبیات از واقعیت جدا است. به همین دلیل، اثر باید از طریق خود، به دور از رویدادهای تاریخی و زندگی خالق آن بررسی و نقد شود» (شایگان‌فر، ۱۳۸۴: ۵۲)؛ از این رو، هدف اصلی فرمالیست‌ها تحلیل متن ادبی است و در مرتبه دوم، عوامل خارج از متن است (احمدی، ۱۳۹۱: ۴۳-۴۲).

شکلوفسکی یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان فرمالیسم است که نظریه «آشنایی‌زدایی<sup>۲</sup>» را مطرح کرد. این نظریه، ناظر بر تمامی شگردهایی همانند صورخیال، آهنگ، نحو، وزن، قافیه، فنون داستان‌نویسی و تمامی عناصر ادبی است که زبان را از حالت روزمره خارج می‌نماید (محمدنژاد، ۱۳۸۸: ۳۱). غایت آشنایی‌زدایی و غریب‌سازی به منظور برانگیختن احساسات و عواطف است. در حقیقت آشنایی‌زدایی، باعث برجسته‌سازی و زیبایی‌آفرینی می‌شود.

لیچ<sup>۳</sup> معتقد است، برجسته‌سازی به شکل انحراف از قواعد (هنجارگریزی) و افزودن قواعدی بر قواعد (قاعده‌افزایی) انجام می‌شود (صفوی، ۱۳۸۰: ۴۰). «هر دو شیوه هنجارگریزی (در تمامی حوزه‌های زبانی همانند آوایی، لغوی، نحوی، معنایی و ترکیب‌سازی) و هنجارافزایی (وزن، بدیع، استعاره، تشبیه، توازن‌ها، تناسب‌های لفظی و معنایی) رواج بسیاری در خلق اثر ادبی دارد» (روزبه، ۱۳۸۳: ۴۲). آشنایی‌زدایی ممکن است در سطوح مختلف ساختاری، معنایی و آوایی انجام شود.

برخلاف اهمیت فرمالیسم در ادبیات، کتاب «نام‌ها و نشانی‌های فرهنگ جبهه» با رویکرد فرمالیستی بررسی نشده است. به همین دلیل، در مقاله حاضر، شگردهای آشنایی‌زدایی که در این کتاب کاربرد یافته، بررسی و شناسایی می‌شود. هریک از نام‌ها و نشانی‌های این اثر در یک حکم

1. Jakobson
2. Defamiliarization
3. Leach

فرم ادبی و فراتر از واژه است. در اهمیت واژه، همین بس که «واژه برای شاعر آینه‌ای است که تصویر خودش را بازتاب می‌دهد» (سارتر، ۱۳۷۰: ۲۲).

#### معرفی کتاب

«فرهنگ جبهه»، به صورت فرهنگ‌نامه در اختیار علاقه‌مندان این عرصه قرار گرفته است. در مجموعه فرهنگ جبهه، جنبه‌های بشری رزمندگان دفاع مقدس همانند شئون رفتاری، گفتاری و نوشتاری جمع‌آوری شده است. این کتاب، چنان اعتبار بسیاری دارد که نویسندگان، فیلمنامه‌نویسان و تمامی افرادی که می‌خواهند فعالیت‌های در حوزه دفاع مقدس انجام دهند، به این اثر ادبی مراجعه می‌کنند.

فرهنگ جبهه با همکاری دوازده نویسنده، تدوین شده است. این مجموعه شامل سه عرصه نوشتاری، رفتاری و گفتاری است که هر یک، زیرمجموعه‌های مستقلی دارد. به عنوان مثال، در بخش رفتاری مواردی همانند شوخ‌طبعی‌ها و در بخش گفتاری، اطلاعات و تعبیرات یکی از مشهورترین عناوین آن است.

منبع اصلی در گردآوری اطلاعات این اثر ادبی، رزمندگان حاضر در جبهه‌ها هستند. نویسندگان برای جمع‌آوری اطلاعات، دو مرتبه به شهرها و روستاهای کشور سفر کرده‌اند تا مجموعه «فرهنگ جبهه» را براساس مستندات منتشر کنند. در انتهای هر جلد، اسامی راویان دفاع مقدس به همراه مشخصات فیش و اطلاعات آورده شده است.

#### بررسی شگردهای واژه‌سازی نام‌ها و نشانی‌ها در فرهنگ جبهه از منظر فرمالیسم

آنچه باعث می‌شود که زبان در گزینش نام‌ها و نشانی‌ها از حالت عادی به سوی فرمالیست حرکت کند، برجسته‌سازی با استفاده از شگردهای آشنایی‌زدایی است. این ویژگی باعث می‌شود، زبان از نقش رسانه‌ای خود فراتر رفته و فرم ادبی گیرد. شفیع‌کدکنی، در ابتدای کتاب «موسیقی شعر» می‌نویسد «شعر، حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد» (شفیع‌کدکنی، ۱۳۶۸: ۳). این تعریف از شعر، پژوهشگران را وارد حوزه زبان‌شناسی می‌کند. «در صورتی که، پذیرفته شود چنین حادثه‌ای در زبان رخ می‌دهد، بررسی چگونگی وقوع آن اهمیت بسیاری دارد» (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). این تعریف شفیع‌کدکنی، نقطه عطفی در حوزه مطالعات زبان‌شناسی و ادبیات در ایران

است؛ زیرا، می‌توان پیوند میان این دو حوزه را شناسایی کرد. شفیع‌کدکنی با این سخن، تعریف زبان‌شناسی ارائه می‌دهد.

به اعتقاد «پرات»<sup>۱</sup>، ادبیات باید به‌عنوان فعالیتی زبانی و وابسته به بافت موقعیتی‌اش تحلیل شود. وی نشان داد، زبان ادبی در کاربرد روزمره زبان همانند تبلیغ‌ها، لطیفه‌ها، مثل‌ها و حتی در بازی کودکان استفاده می‌شود (همان: ۱۳۷). وزن، موسیقی، صنایع بدیع، بیان، توازن و طنز در مجموعه قاعده‌افزایی (هنجارافزایی) و ترکیب‌سازی و واژه‌سازی در مجموعه هنجارگریزی قرار دارد.

#### بهره‌گیری از شگردهای هنجارافزایی (قاعده‌افزایی)

##### ۱- ایجاز

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، در زیرساخت هر یک از نام‌ها و نشانی‌ها، داستانی نهفته است که عصاره پندارها، کردارها، صفات و ویژگی‌ها به‌شمار می‌آیند. ایجاز از نخستین ویژگی‌های ادبی در نام‌گذاری‌های کتاب فرهنگ جبهه است که با شناسایی ویژگی‌های ادبی، ذوق و درک پنهانی آفریدگان آن‌ها آشکار می‌شود. هر نام و نشانی که فرم ادبی به خود می‌گیرد، همانند شعر مفاهیم بسیاری را همراه با تخیل منتقل می‌کند؛ از این رو، چنین نام‌هایی ایجاز دارند. نمونه‌هایی از آن‌ها به شرح ذیل است:

##### سهره سرگردان

«محلی در فکه که نام دیگرش «سهره سرگردان» بود. این جاده به سهرای می‌رسید که در آن تابلوهای بسیاری با نام، نشانی محل استقرار نیروها و اسم کد قرار داشت. این تابلوها چنان پیچیده بودند که آدم سرگیجه می‌گرفت و یا سرگردان می‌شد» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۹۹).

##### سربداران

«نیروی اعزامی از استان اصفهان که در عموم عملیات‌ها، پیشرو و خط‌شکن بود. این گروه، در تمامی عملیات‌ها حضور داشتند و به کم‌تر از خط حمله قانع نبود» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۹۶).

1. Pratt

## ۲- تشبیهات

### منطقه نانی شکل

«سه تپه در داخل خاک عراق و نزدیک شلمچه قرار داشت که در کنار یکدیگر، شکل نان داشتند. به همین دلیل، به آن «منطقه نانی شکل» می‌گفتند» (همان: ۲۳۶).

### تپه خرگوشی

«ارتفاعی روبه‌روی شاخ شمیران در منطقه شیخ‌سله وجود داشت که از دور شبیه خرگوش کز کرده بود» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۶۷).

نویسنده کتاب فرهنگ جبهه در دو نمونه بالا، می‌توانست از عبارتهای روزمره استفاده نماید؛ اما، با کاربرد زبان ادبی، متن (نام و نشانی) را به فرمی شاعرانه تبدیل کرده و برای خواننده‌ای که تنها فهرست را می‌خواند، ایجاد ابهام کرده است. این نام‌گذاری‌ها و برجسته‌سازی‌ها، باعث ماندگاری اسامی در ذهن می‌شود. این نام‌گذاری‌های مبهم و نمادین، باعث ناشناس ماندن مناطقی می‌شود که تنها رزمندگان ایرانی از آن اطلاع داشتند.

«کارکرد ادبی در زبان و نشانه‌شناسی وجود دارد. نظریه ادبی در محدوده کارکرد ادبی باقی نمی‌ماند. زبان شعر با زبان روزمره و یا طبیعی تفاوت دارد. یاکوبسن شعر را کارکرد زیبایی‌شناسی زبان، هجوم آگاهانه و سازمان یافته به زبان روزمره می‌نامید» (احمدی، ۱۳۹۱: ۶۸). نمونه‌های دیگر از اسامی نمادین موجود در کتاب فرهنگ جبهه، تپه دوقلو (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۶۷)، پل بشکه‌ای (همان: ۵۶) و شاخ زبانی (همان: ۱۰۲) است.

## ۳- تلمیح

تلمیح، از شگردهایی است که باعث تبدیل متن به متنی ادبی می‌شود. این شگرد در داستان نویسی معاصر و همچنین، مجموعه فرهنگ جبهه جایگاه ویژه‌ای دارد.

### القارعه

«نام یکی از گردان‌های توپخانه لشکر ۲۷ حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله، القارعه بود. ساختمان این گردان در دوکوهه، جنب ساختمان گردان سلمان و پشت ساختمان تیپ ذوالفقار قرار داشت. القارعه، برگرفته از سوره‌ای در قرآن، به معنی قیامت است. استفاده از نام القارعه، کنایه از کوبندگی و ترسی بود که رزمندگان این گردان در دل دشمن ایجاد می‌کردند. حضرت باری تعالی در این

سوره، در پاسخ «مَا أَدْرَاكَ» و «مَا الْقَارِعَةُ»، برای نشان دادن عظمت و هیبت روز قیامت می‌فرماید «يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ<sup>۱</sup>» (همان: ۴۴).

#### باب‌الجنه

«باب‌الجنه، نام دیگر دروازه بهشت است. این نام، نسبتی بود که رزمندگان ایرانی به ورودی پادگان دوکوهه می‌دادند. دوکوهه‌ای که «مدخل صدق»، نخستین ایستگاه قطار عاشقان و نخستین منزل «منازل السائرين» بود» (همان: ۴۷).

#### حضرت ابوالفضل علیه‌السلام

«حاج حسین خرازی<sup>۲</sup> که مقتدایش حضرت عباس بن علی علیه‌السلام بود، با داشتن یک دست در برابر خصم ایستاد و همراه با لشکرش، عرصه را برای سربازان رژیم بعث تنگ کرد و یاد فرزند حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام را زنده کرد» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۵۶). علاوه بر موارد مذکور، نمونه‌های بسیاری از کاربرد تلمیح وجود دارد که نمونه دیگر آن پل صراط است (همان: ۶۰).

#### ۴- استعاره

اسناد و آثار ادبی گویای این نکته است که استعاره کاربرد زیادی نداشته است؛ اما، هم‌اکنون نقش بسیاری در گفتمان‌های زبان‌شناسی، نقد ادبی و فلسفه دارد. از این رو، استعاره در مقایسه با دیگر شگردهای بلاغی همانند تشبیه، مجاز و کنایه از کارایی و اهمیت بیشتری برخوردار است.

#### ذوب‌آهن اهواز

«حسن آهنی یا ذوب‌آهن اهواز، نسبتی بود که بچه‌های منطقه به برادرحسن می‌دادند. هنگامی که، رزمنده‌ای در پشت جبهه برای تهیه سقف و ستون‌های خانه نیاز به آهن داشتند، نیروها حسن را معرفی می‌کردند؛ زیرا، در بدن وی تعداد زیادی تیر و ترکش وجود داشت و می‌توانست مثل کارخانه ذوب‌آهن اهواز و حتی بهتر کار را راه بیندازد» (همان: ۹۱).

۱. روزی است که مردم همانند ملخ فراری روی هم می‌ریزند و کوه‌ها نظیر پشم رنگی حلاجی می‌شوند (القارعه، ۵-۴).

۲. حاج حسین خرازی، فرمانده لشکر امام حسین علیه‌السلام بود.

اسب یک گوش

«پیک گردان حضرت قمر بنی‌هاشم علیه‌السلام، نوجوانی چالاک و اسب‌گردانی قهار بود. او یکی از گوش‌هایش را بر اثر ترکش از دست داده بود» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۵۸).

عقرب زرد

«لقبی که رادیوی رژیم بعث عراق به شهید چیت‌سازیان داد. فرماندهان این رژیم برای شهادت و یا دستگیری شهید چیت‌سازیان، مدال ملی رافدین را جایزه گذاشته بودند. شهید چیت‌سازیان در نبردها تا جان خصم را نمی‌گرفت، رهایش نمی‌کرد. سرانجام، وی در عملیات نصر ۸ در منطقه ماورات عراق به شهادت نایل شد» (همان: ۱۱۱).

بورکینافاسو

«بورکینافاسو، نام دیگر شهرک آناهیتا بود که در ۱۰ کیلومتری شهر باختران قرار دارد. این محل برای مدت‌زمان بسیاری، محل اسکان لشکر ۲۷ حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. دلیل این نام‌گذاری، اوضاع به‌هم‌ریخته ساختمان‌ها و امکانات شهرک آناهیتا بود» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۵۰).

براساس تعاریف، استعاره دو عنصر مهم دارد. «نخست، انتقال معنی از عنصری به عنصر دیگر و دوم، نقش شباهت در استعاره است» (قاسم زاده، ۱۳۷۹: ۹). بنابراین، عنصری که شناخته شده، عنصر ناشناس را دربرمی‌گیرد. به‌عنوان مثال، در فرهنگ ایرانی کلمه‌ای با‌عنوان گرگ‌صفت وجود دارد. خصوصیتی همانند درنده‌خوبی و وحشی‌گری، به این حیوان نسبت داده می‌شود. این واژه به شخصی که دارای صفات مشابهی است، نسبت داده می‌شود. استعاره از ابزار زبان شناختی است که مقایسه، تشبیه و تمثیل سهم بزرگی در این شگرد بلاغی دارند.

یکی از برجسته‌ترین پیروان نظریه شگردهای بلاغی در میان زبان‌شناسان، یاکوبسن است. در نظریه وی شباهت، اصل زیرساخت و نگاشت استعاری به‌شمار می‌آید. استعاره، کاربرد بسیاری در کتاب فرهنگ دارد. نمونه‌های دیگر از این شگرد بلاغی، پایگاه جهنمی (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۵۲) و بهشت حلبچه (همان: ۵۰) است.

## ۵- کنایه

## دره شیاطین

«دره‌ای در روستای دزلی و س‌راه حزب‌الله در مریوان و جنوب‌غربی سنندج قرار دارد. این دره به دلیل کمین‌های نیروهای کومله، منافقین و دمکرات به «دره شیاطین» شهرت داشت. در این دره طویل و ترسناک، تعدادی زیادی از رزمندگان ایرانی شهید، مجروح و یا اسیر شدند» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۸۹).

## پروفسور

«نسبتی که بچه‌های گردان لشکر ۲۵ کربلا به حسن بهشتی‌پور می‌دادند؛ زیرا، ایشان دانشجوی روشنفکر و باسوادی بود و وقتی زبان به سخن می‌گشود، کسی جلودارش نبود. تمامی افراد به گفته بهشتی‌پور، احتجاج می‌کردند. ایشان ادعای علم و عقل نداشت» (همان: ۵۵).

نمونه‌های بالا، نوعی تمهید شاعرانه همراه با کنایه هستند. نمونه نخست، کنایه از «جایی بسیار ترسناک» و نمونه دوم کنایه از «شخص بسیار دانا» است. استفاده از کنایه در متن باعث می‌شود، زبان از حالت عادی فراتر رود. شعر، زبانی رمزی است که در اعماق حرکت می‌کند، ابهام دارد و راز حیات در ابهام آن جریان است. شاعر، نام اشیا را بر دیگری می‌نهد و یا چیزی می‌گوید و چیز دیگری نشان می‌دهد. کنایه، شعر را مبهم، پیچیده و نمادین می‌نماید.

در کتاب فرهنگ جبهه، کنایه کاربرد دارد و نمونه‌هایی از آن بی‌آزار (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۶۷)، پاطلابی (همان: ۷۰) و شهر بی‌دروپیکر است (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۱۰۳).

## ۶- هم‌وزنی (ساخت واژه بر اساس موسیقی واژه دیگر)

«در زبان‌شناسی فرمالیستی، چه گفتن مهم نیست، بلکه، چگونه گفتن مهم است» (موصلی، ۱۳۹۲: ۳۱). موسیقی به کمک آهنگ و توازن، باعث تمایز زبان ادبی از زبان هنجار می‌شود. هم‌وزنی شامل شگردهای گوناگونی همانند وزن، قافیه، ردیف و هم‌آهنگی‌های آوایی است.

## خط قاتل عبدالدنی

«خطوطی در محور کارخانه نمک بود که رژیم بعث به رهبری ماهر عبدالرشید، بر روی آن آتش می‌ریخت. این خطوط بروزن ماهر عبدالرشید، قاتل عبدالنی شهرت داشت» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۸۳).

ترمزآباد

«روستایی در مهران به نام هرمزآباد وجود دارد. این روستا عقبه تدارکات و ترابری گردان‌های آن منطقه بود و ایستگاه صلواتی داشت که اغلب هنگام عبور و مرور کمتر کسی می‌توانست از خیر آن بگذرد، پیاده نشود و گردگیری نکند. برای همین نیروهای ایرانی به تدریج هرمز را به ترمز تبدیل کردند که کنایه از توقف همیشگی عابران بود» (همان: ۷۱).

در دو مورد مطرح شده، نقش محوری زبان قابل درک است. نام‌گذاران با کاربرد کلمه‌های هم‌وزن، از واژگانی استفاده می‌کنند که باعث هم‌آهنگی و هم‌نوایی کلمات می‌شود و تداعی‌گر موضوعی ثابت است. موسیقی و وزن از مهم‌ترین مباحث قاعده‌افزایی به‌شمار می‌آید. نمونه‌های دیگر هم‌وزنی و هم‌آهنگی در مجموعه فرهنگ جبهه، قلمچه بر وزن شلمچه (همان، ۱۱۳)، ماشین‌خور بر روی ارتفاع سنگی ملخ‌خور (همان: ۱۲۵) و میرکجایی بر وزن میرشجاعی اسم یک رزمنده (همان: ۱۳۰) است.

#### ۷- تناقض

یکی از زیباترین شگردهای آشنایی‌زدایی، تناقض و یا پارادوکس است که مواردی از آن در نام‌گذاری‌های فرهنگ جبهه قابل مشاهده است.

حاجی ساواکی

«یکی از افراد گردان عمار لشکر ۱۷، برادری به‌نام ابوالفضل بود که حدود چهل سال سن داشت. وی به‌دلیل اخلاص، هرگز مدرک تحصیلی، شغلی و حرفه خود را نمی‌گفت و اطلاعاتی برخوردار می‌کرد. برادران دسته، به شوخی او را حاجی ساواکی صدا می‌زدند. بعدها معلوم شد مهندس، پژوهشگر و فوق‌لیسانس رشته مخابرات است» (همان: ۷۹).

هتل آرگاما

«سنگری در جبهه کردستان که در خط ماووت قرار داشت و یکی از لشکرهای ایرانی در آنجا مستقر بود. این سنگر بسیار کثیف بود» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

تناقض‌های بسیاری در کتاب مورد مطالعه وجود دارد که نمونه‌های دیگر آن سنگرساز بی‌سنگر (همان: ۹۸) و شهید زنده (همان: ۱۰۲) است.

## ۸- نماد

«نماد، بیانگر کلیات از طریق موضوعات جزئی است؛ اما، این موضوعات و تصاویر جزئی چنان زنده و جاندار هستند که ذهن را تسخیر می‌کنند» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۵: ۱۶۱). نمادها برمبنای خاستگاه به سه گروه طبیعی، ملی و اساطیری، دین و مذهب تقسیم می‌شوند (همان: ۱۹۲-۱۹۰). البته برخی شاخه دیگری با عنوان نماد اجتماعی، به آن می‌افزایند. نمادها، برمبنای خاستگاه‌های دیگری تقسیم می‌شود که رایج‌ترین آن‌ها نماد دلالت‌گر، نماد استعاری، نماد یادبودی و نماد قدسی (همان: ۱۸۹) است. در فرهنگ جبهه، از نمادهای استعاری استفاده شده است.

## ۸-۱- نمادهای ملی و اساطیری

اسطوره، نام‌ها و یادهایی است از روزگار گذشته تاکنون، سینه‌به‌سینه منتقل شده و در اذهان عمومی نقش بسته است. برخی از اسطوره‌ها همانند قهرمانان اساطیری، الگوی رفتاری ملت‌ها به‌شمار می‌آیند. این اساطیر هرچا بروز کنند، در خرد جمعی ظاهر می‌شوند. در میان رزمندگان دفاع مقدس، استفاده از این اسطوره‌ها رایج بوده است.

## خیمه‌گاه رستم و یاران

«محل استقرار نیروهای گردان چهارم لشکر ۲۱ در منطقه عملیاتی مرصاد، خیمه‌ای چهل تکه و دوخته‌شده از چترهای منور بود. این خیمه، در میان رزمندگان ایرانی به خیمه‌گاه رستم و یاران شهرت داشت (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۲۹۸).

## تنگه رستم

«تنگه‌ای صعب‌العبور در منطقه [۴] قرار داشت که به تنگه رستم مشهور بود» (همان: ۱۸۶).

## ابن کوراوغلی

«نام یکی از رزمندگان ایرانی، ایاز بود. وی، فردی ترک‌زبان و مهربان بود که در بخش تدارکات گردان انصار لشکر ۲۷ حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله خدمت می‌کرد. کوراوغلی، قهرمان افسانه‌ای آذربایجان است که حامی مردم ستم‌دیده بود و ظاهراً پسرخوانده‌ای به‌نام ایاز داشت. نسبت‌دادن ابن کوراوغلی به ایاز به‌دلیل شفقت او بود» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۴۱).

#### ۲-۸- نمادهای دینی و مذهبی

دفاع مقدس با بینش دینی ایرانیان درآمیخته است. رمز دلاوری، ایستادگی و شجاعت رزمندگان در این دوران ایمان بود؛ از این رو، واژه‌های دینی همیشه در ذهن و زبان رزمندگان دفاع مقدس جاری بود و نام‌های مقدس برای نام‌گذاری افراد، مکان‌ها و زمان‌ها کاربرد داشته است. البته، برای حفظ تقدس آن‌ها، بیشتر خالی از شکردهای ادبی بودند و به صورت استعاره، نماد و گاهی طنز استفاده می‌شده‌اند. در نمونه‌هایی حضرت ابوالفضل علیه‌السلام و اصحاب کهف به صورت نماد استفاده شده‌اند.

ابوالفضل علیه‌السلام (ابوالفضل باوفا)

پیش‌تر ذکر شد، شهید حاج حسین خرازی به ابوالفضل علیه‌السلام شهرت داشت. نمونه دیگر «فیروز وفايي، پیک گردان امام علی علیه‌السلام در تیپ ۴۸ فتح بود. لقب باوفا برای او حکایت از آزمون‌های الهی داشت که از تمامی آن‌ها سربلند و پیروز بیرون آمده بود» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۵۶).

اصحاب کهف

«رزمندگان عقبه گردان، هر روز پس از مراسم صبحگاه آزاد بودند تا به امور شخصی خود رسیدگی نمایند. در میان نیروها، ده نفر بودند که بیشتر خواب بودند؛ از این رو، آن‌ها در چادر می‌ماندند و از گردش ایام غافل بودند. به همین دلیل، به ایشان اصحاب کهف می‌گفتند» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۵۹). نمونه‌های دیگر از نمادهای مذهبی، واژه‌هایی همانند جعفر طیار (همان: ۷۸) و حبیب بن مظاهر (همان: ۸۳) است.

#### ۳-۸- نمادهای طبیعی

نمادهای حیوانی، اشیا و مکان در نام‌گذاری فرهنگ جبهه کاربرد بسیاری داشته است. این نمادها، مظهر ویژگی یا مشخصه‌ای هستند که کاربران زبانی آنان را پذیرفته‌اند. نمادها در واقع استعاره‌ای هستند که به علت تکرار و عمومیت، به شکل نماد درآمده‌اند.

#### ۱-۳-۸- نماد حیوانی

بیرمازندران

«صفتی برای بیان شجاعت و دلاوری‌های رزمندگان لشکر ۲۵ کربلا بود که عملیات‌های موفقیت‌آمیز بسیاری در کارنامه داشتند» (همان: ۱۶۵).

## تپه عقاب

«تپه‌ای در غرب کشور و داخل خاک عراق که بسیار مرتفع بود و رزمندگان ایرانی به سختی از آنجا عبور می‌کردند. این تپه در شرایط عادی جولانگاه عقاب‌های کوهستان بود. رزمندگان با هر مشقتی که بود، قله را فتح و جانشین عقاب‌ها شدند» (همان: ۲۳۱).

## کلاغ جزیره

«تویوتا لندکروز دژبانی لشکر ۴۲ قمر بنی هاشم علیه‌السلام در جزیرهٔ مجنون که هر ۶۰-۳۰ دقیقه، یک مرتبه تردد می‌کرد. صدای این ماشین چنان آزار دهنده بود که به آن کلاغ جزیره می‌گفتند» (همان: ۳۰۶).

## ۸-۳-۲- نماد اشیا

## آهن

«آر.پی.جی. زن گردان امام سجاد علیه‌السلام، رزمنده‌ای به نام سجاد عسکری بود. مسئولان به دلیل سن و سال زیاد وی ترجیح می‌دادند در تدارکات و یا تبلیغات یگان باشد؛ اما، او قبول نمی‌کرد. هرکاری که ربطی به خط مقدم جبهه نداشت، مقبول او نبود. به همین دلیل، سجاد به آهن شهرت داشت» (همان: ۵۶).

## بولدوزر

«یکی از نیروهای اعزامی از گنبد کاووس و جمعی تیپ ۴۰ سراب، تاقانی بود. وی مدتی در گروهان پدافند هوایی ۸۹۸ در منطقهٔ مهران خدمت می‌کرد. تاقانی فردی نیرومند، والاهمت، غیور و دلسوز بود که در انجام کارهای سنگین پیش قدم می‌شد» (همان: ۶۶).

## ۸-۳-۳- نماد مکانی

## بازار مسگرها

«شلمچه یکی از مکان‌هایی بود که ارتش رژیم بعث عراق آتش زیادی در آنجا می‌ریخت. صدای ناشی از انفجارها، تداوی گر بازار مسگرها بود» (همان: ۱۹۳).

## درهٔ شیطان

«دره‌ای در حلبچهٔ عراق (منطقهٔ عملیاتی والفجر ۱۰) قرار داشت که هدف سلاح‌های شیمیایی ارتش رژیم بعث بود. به همین دلیل، این نقطه به درهٔ شیطان شهرت داشت» (همان: ۱۸۹).

نمونه‌های دیگری از کاربرد نماد در کتاب فرهنگ جبهه، زورو (همان: ۹۵)، دسته تاتار (همان: ۱۴۵) و موقعیت پشه (همان: ۲۱۱) در مجموعه فرهنگ جبهه وجود دارد.

#### ۸-۴- نمادهای اجتماعی

برخی از نمادها، ریشه در زندگی اجتماعی دارد. نمادهایی که در یک دوره پذیرفته شده‌اند و هر کدام ویژگی‌ها، مفاهیم و تصوراتی در ذهن انسان تداعی می‌کند.

#### ۸-۵- نمادهای انسانی

نمادهای انسانی که تحت تأثیر گسترش رسانه‌های تصویری همانند تلویزیون، سینما و قهرمانان فیلم‌ها ایجاد شده‌اند.

رمبو

«قربانی، ستوان سوم ژاندارمری و معاون یکی از گردان‌های ارتش در هزارقله کردستان بود. وی در آزادسازی منطقه کوهستانی سورکوه با شجاعت و شهامتی وصف‌ناپذیر، ماشین حامل مهمات را به نیروهای ایرانی رساند و با همین وضعیت، مهمات را تقسیم می‌کرد» (همان: ۹۴).

بروسلی

«اسمی که رزمندگان گردان انصار لشکر ۲۷ حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله بر روی برادر قدرتی گذاشته بودند. او کونگ‌فوکار قدرتمندی بود؛ اما، هیچ وقت حرکتی از خود نشان نمی‌داد که دیگران متوجه قدرت و حرفه او شوند» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۴۹).

#### ۸-۶- نمادهای نوستالژیک

همیشه خاطره‌های خوش گذشته در ذهن ماندگار است و انسان از یاد آن‌ها امید می‌گیرد. این خاطره‌ها اگر شکل جمعی داشته باشد، کهن‌الگویی در خاطر جمعی می‌شود. در فرهنگ جبهه، نام‌ها و نشانی‌هایی مشاهده می‌شود که براساس همین خاطرات گذشته و شباهت ذهنی شکل گرفته‌اند و کلیدواژه عاطفه و لذت هستند.

ماشین مثنی مندلی

«ماشینی که نیروهای واحد پدافند لشکر ۵ نصر، آن را چپ شده پیدا کردند. به دستور فرمانده، آن‌را سرپا کردند، استارت زدند و ماشین را در کمال ناباوری روشن کردند. این ماشین ترمز، بوق و سندلی نداشت» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۳۰۸).

مدرسه موش‌ها

«سنگر تیرباری در جبهه خندق که به دلیل فراوانی موش، به مدرسه موش‌ها شهرت داشت» (همان: ۱۸۳).

نمونه‌های متعدد دیگری از نمادهای نوستالژیک در مجموعه فرهنگ جبهه وجود دارد که فلکه طبرسی (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۱۱۲) و موقعیت سرزمین گالیور (همان: ۱۲۸) مثال‌هایی از آن است.

#### ۹- طنز

بیان طنز، یکی از شگردهای آشنایی‌زدایی است که سخن را از شیوه متعارف خارج می‌کند. در فرهنگ جبهه، نام‌های زیادی براساس طنز ساخته شده‌اند. حوزه طنز وسیع و شگردهای گوناگونی همانند تحقیر، تمسخر، شوخی و مطایبه دارد که هرکدام سطحی از خنده به همراه دارند. در جلد یک فرهنگ جبهه به مواردی نظیر تضعیف و تحقیر دشمن، القاب مدح، ذم، ادخال و سرور اشاره شده است (همان: ۳۲-۲۹).

بررسی طنز در این اثر به لحاظ شگردهای طنزپردازی، عامل موجد طنز، انواع و موضوعات طنز نیازمند انجام پژوهشی جامع است؛ از این رو، در مقاله کنونی به ذکر نام‌ها اکتفا می‌شود. طنز، یکی از شگردهای کاربردی در کتاب فرهنگ جبهه است که باعث آشنایی‌زدایی و برجستگی نام و نشانی‌ها شده است؛ به طوری که، بسیاری از نام‌ها و نشانی‌های این مجموعه با طنز همراه هستند. اگرچه، ممکن است استعاره، کنایه و یا نماد باشند. به همین دلیل، برخی از نمونه‌هایی که پیش‌تر ذکر شد، جنبه طنز دارند.

#### خانه صدام

«در ۴ کیلومتری جنوب روستای محمدیه و غرب رودخانه کارون، بنای آجری کوچکی وجود داشت که موتورخانه پمپ آب بود و از دست سربازان رژیم بعث عراق جان سالم به در برده بود» (همان: ۸۲).

#### گردان کویت

«نسبتی بود که رزمندگان لشکر ۲۷ حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله به گردان کمیل می‌دادند؛ زیرا، وضعیت تدارکاتی آن‌ها در مقطعی از جنگ خیلی خوب بود» (همان: ۱۲۲).

نمونه‌های دیگر کاربرد طنز در مجموعه ادبی فرهنگ جبهه، موقعیت گردان شمر (همان: ۱۲۹) و تنگه تف (همان: ۷۲) است.

### بهره‌گیری از شگردهای هنجارگریزی

#### ۱- ترکیب وصفی و اضافی

یکی از شیوه‌های نام‌گذاری برای افراد و مناطق، کاربرد صفت یا اسم به همراه اسم اصلی است تا بتواند توصیف برجسته‌ای ایجاد کند. آفرینش و خلق این واژه‌ها نمونه بارزی از برجسته‌سازی است. در فرهنگ جبهه، نام‌های بسیاری مشاهده می‌شود که با همین شگرد خلق شده‌اند.

مرد همیشه بیدار

«یکی از نیروهای امدادگر گردان سیف‌الله لشکر ۵ نصر، سیدمصطفی طوسی بود. وی با وجود کار طاقت‌فرسای روزانه، شب‌ها در کنار مجروحان و بیماران بود» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

حسین شکارچی

«حسین، از اهالی کردکوی، در پایگاه اسلام‌دشت میوان در محاصره ضدانقلاب قرار گرفت. وی با تیربارش به قدری تیراندازی کرد که لوله تیربار سرخ شد و چون فرصت تغییر نداشت، با دستش لوله را تغییر داد. این عمل باعث شد کف دستش بسوزد» (همان: ۸۶).

سعید فتر

«سعید درویشی، از نیروهای بسیجی نهاوند، تیربارچی گردان بود. او هنگام درگیری با دشمن، قابلیت درخشانی در تغییر موضع داشت و قبضه تیربار را با همه سنگینی‌اش به سرعت باز شدن فتر جابه‌جا می‌نمود» (همان: ۹۸).

نمونه‌های دیگر از کاربرد این شگرد ادبی رضا رگباری (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۹۱)، سنگر پرواز (همان: ۹۶)، سهره سرگیجه (همان: ۹۹) و سید جوشان (همان: ۱۰۱) است.

#### ۲- واژه‌سازی با ترکیب واژه‌ها

یکی از شگردهای آشنایی‌زدایی، واژه‌سازی است. نام‌های بسیاری در فرهنگ جبهه وجود دارد که توسط ذهن‌های خلاق ساخته شده است. این نام‌ها، به صورت ترکیب اضافی یا وصفی ساخته شده‌اند و یا به صورت استعاری، کنایی و یا مجازی به کار رفته‌اند.

میرقنوات

«کریم آزادی، از اهالی فسای فارس، مقنی زبردستی بود. وی مهارت بسیاری در شناسایی نقطه‌ای مناسب برای حفر چاه داشت» (فهیمی و مهرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

مینی پوکه جمع کن

«علی اعتدالی و پسر دایی اش اصغر، به قدری ظریف و نحیف بودند که تمامی رزمندگان ایرانی معتقد بودند، آنان نمی‌توانند سلاح حمل کنند» (همان: ۱۳۵).

تیپ‌الپنیر

«تیپ‌الغدیر استان یزد در شرایطی که تدارکات خوبی نداشت، ناهار و شام آن‌ها اغلب نان و پنیر بود» (همان: ۱۶۲).

نمونه‌های بسیاری همانند شغال‌آباد (همان: ۱۷۴)، رأس‌الپشه (همان: ۱۹۴)، ابوفلفل (همان: ۱۹۹) و تیپ‌التاید (همان: ۱۶۳) در مجموعه فرهنگ جبهه وجود دارد که تمامی آن‌ها برمبنای واژه‌سازی ساخته شده‌اند.

### نتیجه‌گیری

نام‌ها و نشانی‌ها در ترکیب با شگردهای برجسته‌سازی از نقش رسانه‌ای خود فراتر می‌روند و به فرم‌های ادبی تبدیل می‌شوند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، بیشتر اسامی کتاب «فرهنگ جبهه» با بهره‌گیری از شگردهای برجسته‌سازی، ساخته شده‌اند.

تشبیه، استعاره، کنایه، نماد، تلمیح، هم‌وزن‌سازی و طنز از مهم‌ترین شگردهای قاعده‌افزایی که در نام‌گذاری اشخاص و نشانی‌ها کاربرد داشته است. درمیان تمامی آن‌ها، طنز، استعاره و نماد کاربرد بسیاری در دوران دفاع داشته است؛ اما، طنز درمیان شگردهای برجسته‌سازی، جایگاه ویژه‌ای دارد. به‌طوری‌که، نام‌ها و نشانی‌هایی بسیاری با شگردهایی همانند استعاره، کنایه و نماد ساخته و با طنز درآمیخته شده‌اند.

شگردهای هنجارگریزی و ترکیب‌سازی به دو صورت واژه‌سازی و ترکیب وصفی و اضافی است. کاربرد این شگردها باعث شده که اسامی، فرمی ادبی یابند و از زبان روزمره خارج شوند. این شیوه، نشان از ذوق ادبی، تخیل قوی و مهارت خالقان آن‌ها در درک زیبایی دارد. اگرچه، امکان ثبت خالقان آن‌ها با استفاده از مدارک علمی میسر نبوده است و هم‌اکنون، بسیاری از آنان ناشناس هستند. با انتخاب هوشمندانه شگردهای ادبی، پدیده‌هایی همانند آشنایی‌زدایی،

برجسته‌سازی، غریب‌سازی و برانگیختگی احساس در متن رخ می‌دهد. در هر صورت، در این جستار تنها نام‌ها و نشانی‌های کتاب فرهنگ جبهه از منظر فرم ادبی بررسی شد و از منظرهای دیگر قابل‌بررسی است.

- احمدی، بابک (۱۳۹۱). *ساختار و تأویل متن*، تهران: نشر مرکز.
- پورالخاص، شکرالله و عباسی، رضا (۱۳۹۴). بررسی شگردهای برجسته‌سازی در قصاید خاقانی، *نشریه کاوش‌نامه*، سال شانزدهم، شماره ۳۱، ۱۲۶-۹۹.
- روزبه، محمدرضا (۱۳۸۳). *تحلیل و تفسیر شعر نو فارسی*، تهران: انتشارات حروفیه.
- سارتر، ژان پل (۱۳۷۰). *ادبیات چیست؟*، ترجمه ابوالحسن نجفی و مصطفی رحیمی، چاپ هفتم، تهران: نشر زمان.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۰). *ساخت‌گرایی، پساساخت‌گرایی و مطالعات ادبی*، تهران: انتشارات سوره هنری.
- شایگان‌فر، حمیدرضا (۱۳۸۴). *نقد ادبی*، چاپ دوم، تهران: دستان.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸). *موسیقی شعر*، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). *رستاخیز کلمات*، تهران: انتشارات سخن.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره مهر.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات سوره مهر.
- فتوحی‌رودمعجنی، محمود (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*، تهران: انتشارات سخن.
- فهیمی، سیدمهدی و مهرآبادی، محسن (۱۳۸۲). *فرهنگ جبهه: نام‌ها و نشانی‌ها*، جلد دوم، تهران: فرهنگ گستر.
- فهیمی، سیدمهدی و مهرآبادی، محسن (۱۳۷۰). *فرهنگ جبهه: نام‌ها و نشانی‌ها*، جلد اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قاسم‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۷۹). *استعاره و شناخت*، تهران: فرهنگیان.
- محمدنژاد، زهرا (۱۳۸۸). *آشنایی‌زدایی در شعر منوچهرآتش*، *نشریه کتاب ماه ادبیات*، شماره ۳۱، ۳۴-۳۰.
- مدرسی، فاطمه و یاسینی، امید (۱۳۸۸). *قاعده‌افزایی در غزلیات شمس*، *نشریه تاریخ ادبیات فارسی*، شماره ۵۹، ۱۴۳-۱۱۹.

مهری، فریبا؛ علوی‌مقدم، مهیار؛ دلبری، حسن و محمدیان، عباس (۱۳۹۷). کارکرد لایه ایدئولوژیک در برجسته‌سازی سبکی غزل اجتماعی معاصر، نشریه ادبیات پارسی معاصر، شماره ۲، ۱۷۲-۱۴۵.

موصلی، رضا (۱۳۹۲). استعاره‌شدن زبان در داستان کوتاه شهریار مندنی‌پور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، بیرجند: دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

